

نظر قرآن درباره گدایی و تکدی‌گری

درآمدروزانه يك‌گدا در مشهد

یکی از نابهنجاری های اجتماعی که نمایی از بحران در ساختار جامعه است مساله تکدی گری است. افزایش و کاهش این پدیده ی اجتماعی به معنای وضعیت پایدار و ناپایدار جامعه از نظر فرهنگی و اجتماعی است. به این معنا که مساله تکدی گری تنها يك پدیده و معضل اقتصادی و مرتبط به بحران در این حوزه نیست ، بلکه ارتباط تنگاتنگ و استواری با مساله فرهنگی و اجتماعی جامعه دارد. به سخنی دیگر، میان پدیده تکدی گری و وضعیت فرهنگی جامعه نوعی همبستگی وجود دارد اگر قایل به ارتباط علی و معلولی نشویم. از این رو، اگر در جامعه اسلامی پدیده ای به نام تکدی گری وجود داشته باشد، پیش از آن که بیانگر اوضاع نابسامان اقتصادی و بحران آن باشد، بیانگر وضعیت نابهنجار و نابسامان فرهنگی و اجتماعی جامعه دارد.

در تحلیل و تبیین قرآنی از جامعه برتر، مساله نابهنجاری های اجتماعی به کلی از میان می رود و ارتباط و همبستگی میان افراد جامعه به گونه بردارانه است که تعاون و همدلی و همکاری و نیز رقابت سازنده جای خود را به اموری می دهد که موجبات نابهنجاری های اجتماعی می شود. جامعه برتر جامعه ای است که مسایل اقتصادی و دیگر معضلات و نابهنجاری ها از طریق تعاون، امر به معروف و نهی از منکر و نظارت حل و فصل می شود. از این رو وضعیت جامعه به گونه ای است که با چنین پدیده های رو به رو و مواجه نیستیم . بنابراین اگر در جامعه اسلامی که به سمت و سو جامعه برتر گرایش دارد و می کوشد تا آن را به عنوان هدف اصلی در جهان مادی صورت تحقق بخشد ، می بایست پدیده هایی چون نابهنجاری تکدی گری حل شده باشد و زمینه فرهنگی و اجتماعی برای رشد و یا افزایش آن فراهم نباشد. در این نوشتار تلاش بر آن است تا با تحلیل و تبیین آیات و آموزه های قرآنی مساله و پدیده نابهنجار تکدی گری ریشه یابی و راهکارهای برونرفت از آن تبیین و توصیه گردد.

گستره معنایی تکدی‌گری

تکدی گری به معنای گدایی کردن ، در یوزگی (فرهنگ فارسی ؛ ج ۱ ص ۱۱۲۵)، تکلف در سوال و حاجت خواهی از این و آن در کوی و برزن و پافشاری بر آن بیان شده است. (لغت نامه دهخدا ، ج ۴ ص ۶۰۴۸) متکدی کسی است که در پی کمک و یاری مادی از دیگران دست را پیش این و آن می گیرد و گاه با سماجت تمام خواستار کمک مالی و نقدی و جنسی می شود. این عمل در برخی از کشورها به شدت رواج دارد و در کوی و برزن افرادی یافت می شوند که می کوشند بدون هیچ تلاش و زحمتی پولی به چنگ آورند. در برخی از کشورها این عمل قانونی است و در برخی دیگر نه تنها قانونی نیست بلکه جرم و مجازات حبس و زندان را به دنبال دارد. در برخی از کشورها افراد متکدی برای فرار از قانون از ابزارهای جلب نظر و توجه برای تکدی گری چون ابزار موسیقی و نمایشی استفاده می کنند. به هر حال در نگرش عمومی جوامع انسانی ، تکدی گری امری مذموم و ناپسند تلقی می شود و به عنوان پدیده و

نابهنجار با آن برخوردهای مختلفی انجام می شود. در تبیین عمومی از این مساله آن را امری برخاسته از وضعیت نابسامان اقتصادی بر می شمارند و افزایش تکدی گران را به معنا و مفهوم افزایش بحران اقتصادی برآورد می کنند.

تکدی گری به اشکال و انواع مختلف در همه جوامع انسانی یافت می شود و حتی اشخاصی برای دست یابی آسان به پول و غذا حاضر به این کار می شوند تا تن به کارهای سخت بدنی برای تهیه پول ندهند. از این رو افرادی را می توان یافت که از هر نظر در سلامتی جسمی و روانی برخوردارند ولی به تکدی گری به عنوان يك شغل می نگرند.

زمینه های تکدی گری

قرآن یکی از علل و عوامل تکدی گری را فقر و نیازمندی انسان ها همراه با نوعی نگاه به شخصیت های انسانی تحلیل و تبیین می کند؛ به این معنا که ریشه تکدی گری هر چند که به ظاهر فقر و بی نوایی و نیاز به برآورده آن است ولی ریشه روانی و شخصیتی نیز دارد. به این معنا که افراد و اشخاصی به تکدی گری روی می آورند که از نظر شخصیت انسان های متعادل و سالم اجتماعی نیستند؛ زیرا انسان های سالم و با شخصیت اجتماعی هر چند که در فقر و فاقه به سر برند ، به سوی پدیده تکدی گری روی نمی آورند. فقر و بی نوایی در تحلیل قرآنی تنها می تواند به عنوان يك انگیزه و سبب مطرح شود ولی این مساله موجب نمی شود تا شخص به سوی تکدی گری روی آورد؛ زیرا تکدی گری که با شخصیت روانی و اجتماعی انسان ارتباط تنگاتنگی پیدا می کند ، امری دور از شرافت و کرامت انسانی است. انسان سالم و با شخصیت هرگز برای به دست آوردن لقمه نانی به تکدی اقدام نمی کند و گدایی را ابزار و وسیله ای برای برآورد نیازهای خود قرار نمی دهد. از این رو بسیار دیده شده که انسان های فقیر و بی نوایی که نیازهای بسیاری آن ها را احاطه کرده است ولی آنان به تکدی و گدایی رو نیآورده اند. قرآن با توجه به شخصیت سالم انسان ها و کرامت و شرافت انسانی به این مساله فرهنگی و اجتماعی توجه می دهد که چگونه انسان های فقیر با شخصیت حاضر نمی شوند به تکدی رو آورند.

قرآن از مومنان می خواهد که تنها توجه خویش را به سوی گدایان مبذول ندارند؛ زیرا در جامعه افراد نیازمند بسیاری هستند که از نظر فرهنگی و اجتماعی و شخصیتی به چنان جایگاهی رسیده اند که برای رفع نیازهای خویش دست به سوی دیگران دراز نمی کنند . آنان با آن که نیازمند هستند ولی عفت و حیای ایشان به اندازه ای است که خودنگه دارند و به سوی دیگران برای رفع نیاز دست دراز نمی کنند. اگر کسی به ایشان نگاه کند گمان می کند که دارا هستند و نیاز ندارند در حالی که واقعا نیازمند می باشند. این افراد می بایست مورد نظر افراد دارای جامعه قرار گیرند و صدقات را به ایشان دهند. در گزارش قرآن از وضعیت افراد فقیر با شخصیت جامعه آمده است : *للفقراء الذين احصروا في سبيل الله لا يستطيعون ضربا في الارض يحسبهم الجاهل اغنياء من التعفف تعرفهم بسيماهم لا يسئلون الناس الحافا و ما تنفقوا من خير فان الله به عليم* (بقره آیه ۲۷۳) صدقات برای آن تهیدستانی است که در راه خدا محصور شده اند و نمی توانند

برای کسب در آمد در زمین سیر و سفر کنند. از آن جایی که خویشتن دارند و فقر و بی نوایی خویش را آشکار نمی سازند ، کسی که از حالشان بی خبر است آنان را توانگر می پندارد و تو از نشانشان بی نوایی آنان را در می یابی . آنان با وجود نیازمندی شدید به اصرار از مردم چیزی نمی خواهند . ای مومنان هر مالی را که انفاق کنید خدا به آن داناست.

در این تحلیل قرآنی هر چند که یکی از علل و اسباب تکدی گری را فقر و بی نوایی اقتصادی اشخاص بیان می کند ولی به خوبی نیز روشن می دارد که علت اصلی در تکدی گری را می بایست در فقر فرهنگی و اجتماعی دو بخش از جامعه دید: نخست فقر فرهنگی و اجتماعی گروهی که به تکدی گری رو می آورند و برای برآورد نیاز مادی خویش ، شخصیت اجتماعی و کرامت و شرافت انسانی خویش را زیر پا می گذارند ؛ دوم کسانی که از دارایی برخوردار بوده و در جهل و فقر فرهنگی و اجتماعی به سر می برند. آنان با ساده نگری به افراد جامعه و گذر سریع و شتاب آلود از اوضاع و احوال جامعه، تحلیل درستی از موقعیت خود و جامعه نداشته و مسایل را ساده لوحانه ارزیابی و تحلیل می کنند. از این رو تنها با نگاهی به ظاهر افراد جامعه حکم به دارا بودن اشخاصی می کنند که تنها از روی تعفف و کرامت و شرافت انسانی دست نیاز به سوی این و آن دراز نمی کنند.

این آیه به رهبران و افراد دارای جامعه هشدار می دهد که ساده انگارانه اوضاع را تحلیل نکنند. بسیاری از افراد دارا و ثروتمند از آن جایی که خود در شرایط و وضعیت خوبی به سر می برند بر این باورند که وضعیت دیگران نیز مناسب و خوب است . از این رو در ضرب المثل ها نیز آمده که سیر را غم گرسنه نیست؛ سواره را غم پیاده . به این معنا که سیران تحلیل درستی از اوضاع و موقعیت گرسنگان ندارند. قرآن از این وضعیت به جهل و نادانی یاد می کند. به این معنا که تحلیل درستی از خود و دیگران نداشته و بر پایه این تحلیل دست به اقدام نمی زنند.

تکدی گری به اشکال و انواع مختلف در همه جوامع انسانی یافت می شود و حتی اشخاصی برای دست یابی آسان به پول و غذا حاضر به این کار می شوند تا تن به کارهای سخت بدنی برای تهیه پول ندهند. از این رو افرادی را می توان یافت که از هر نظر در سلامتی جسمی و روانی برخوردارند ولی به تکدی گری به عنوان يك شغل می نگرند.

قرآن برای این که مساله تکدی گری را حل کند و یا به آن دامن نزنند، از مومنان دارا می خواهد که نخست به مومنان عقیف و بی نوایان با شخصیت توجه کنند و از سوی دیگر با ستایش ایشان مردم را به سوی ایشان ترغیب و تشویق می کند که چنین رفتاری را در صورت گرفتاری سر مشق قرار دهند و از سوی دیگر نیز از مومنان می خواهد که از جهل و تحلیل نادرست بیرون آیند و با تحلیل و بررسی اوضاع خود و اجتماع، به فقیران عقیف کمک کنید تا آنان به خاطر افزایش بی نوایی در خطر تکدی گری نیافتند و به این وسیله به تکدی و گدایی پروری دامن زده نشود.

بنابراین راهکار قرآن را می توان در چند چیز خلاصه کرد: اول آن تکدی گری را مساله فرهنگی و اجتماعی بدانند؛ دوم آن که با مساله از راه تشویق و ترغیب به خودداری از تکدی گری برخورد کنند؛ سوم آن که افراد ثروت را به موقعیت و مسایل اجتماعی آگاه سازند و آن را با این مسایل درگیر کنند؛ چهارم آن که با پرداخت و کمک مالی به فقرای عقیف از گسترش تکدی گری و گداپروزی جلوگیری به عمل آورند.

با این همه قرآن دور نمودن خشونت آمیز و طرد متکدیان و گدایان را نادرست بر می شمارد و از آن نهی کرده و به عنوان عملی ناپسند مذموم بر می شمارد. (ضحی آیه ۱۰)؛ زیرا برخورد خشونت آمیز و یا فیزیکی با متکدیان بدون از میان بردن عوامل و علل اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی آن خود افزایش بحران است و جامعه را به سوی می کشاند که در يك آن ممکن است منفجر شود. جامعه اگر مسایل خویش را ریشه ای حل نکند و آن رابه خشونت به لایه های زیرین و پنهان سوق دهد، روزی این معضل به گونه خطرناک تر سر باز می کند و آسیب های بیش تری را بر جامعه تحمیل می کند.

قرآن برای رهایی از مساله تکدی گری و گدایی پیشنهاد می دهد که نیازهای نیازمندان و بی نوایان از سوی جامعه اسلامی تامین گردد و راهی برای پیش گیری این معضل ایجاد و فراهم گردد. (بقره آیه ۲۷۳)

از سوی به مومنان ثروتمند حکم و فرمان می دهد تا با تعاون و یاری دیگر افراد آنان را از وضعیت نابینجار خارج سازند. تاکید بر پیمان های برادری و ایجاد الفت میان آنان به هدف تامین نیازهای روحی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی صورت می پذیرد. این روشی بود که پیامبر در میان مومنان انصار و مهاجر در نخستین دولت شهر اسلامی یعنی مدینه اجرا کرد و جامعه اسلامی مدینه از فواید و آثار آن بهره برد. به گونه ای مومنان انصار برخی از خانه ها و اموال خویش را در اختیار مهاجران قرار دادند و وضعیت اقتصادی مدینه تا اندازه ای بهبود یافت. این به معنای گسترش فقر نبود؛ چنان که اکنون برخی بر این باورند که اگر بخشی از ثروت سرمایه داران به طرق معقول و منطقی و قانونی در اختیار فقرا قرار گیرد به معنای تعمیم فقر است؛ زیرا سخن از سرمایه گذاری از اموال ثروتمندان برای فقیران است و این همانند دادن ماهی و هم یاد دادن ماهیگیری به فقیران است. به این معنا که نباید تنها به فقیر ماهی داد و نه تنها ماهیگیری بلکه در وهله نخست برای رهایی از فقر کشنده ماهی ای داد تا جان گیرد و سپس در يك برنامه بلند مدت به وی ماهیگیری آموخت. پس می بایست برای رهایی ای تکدی گری هم به مساله حال این افراد توجه کرد و فقر ایشان را برطرف نمود و هم کار فرهنگی و اجتماعی کرد و آنان را به سوی کار و شغل آبرومندانه هدایت کرد. از این روست که قرآن هم سخن از دادن مال و غذا به گدایان می کند که شکم آنان را اکنون سیر کند. (حج آیه ۳۶) و هم تلاش کرد تا ایشان با آموختن کاری و همکاری تعاون مومنان از دارایی برخوردار شوند و عزت نفس یابند. (بقره آیه ۲۷۳). بنابراین برای برخورد با پدیده نابینجار تکدی گری می بایست در دو حوزه مختلف و با دو برنامه کوتاه مدت و بلند مدت کار ها را در ابعاد اقتصادی و فرهنگی پیش برد تا این معضل اجتماعی ریشه کن گردد.

نوشته‌ی: خلیل منصورى